

کند که شاید از لحاظ داستانی لزوم چندانی به این میزان تأکید وجود نداشته باشد) اما حسی از تزلزل و تردید حل‌نشدنی را در طول فیلم ایجاد می‌کند که به فضا سازی اثر کمک می‌کند. «الوا» فیلم قابل احترامی است که ما را کنجکاو تماشای فیلم‌های بعدی امیری نگه می‌دارد.

### «تی تی» (آیدا پناهنده) هنر حفظ تعادل

امیدواری‌ها: در اوایل دهه ۱۳۸۰، سینمای ایران پر شده بود از فیلم‌هایی که، به اصطلاح، قرار بود معناگرا باشند. اکثر این فیلم‌ها در فضایی روستایی می‌گذشتند و شخصیت‌هایی را نشان می‌دادند که از دید دیگران ساده لوح (یا اگر بخواهیم عامیانه‌تر و راحت‌تر بگوییم، خل و چل) به نظر می‌رسیدند اما قرار بود ما و شخصیت‌های دیگر این

فیلم‌ها در طول مسیر به درکی جدید از آن شخصیت برسیم. این آدم‌ها، افرادی با دل پاک و قلبی صاف بودند که قرار بود برایشان دل بسوزانیم و بپذیریم که از اطرافیان خود آدم‌های بهتری هستند و درک درست‌تری هم نسبت به دیگران از دنیا دارند. اما اکثر آن فیلم‌ها نه تنها به سرعت فراموش می‌شدند بلکه فیلم‌هایی آزار دهنده و عصبانی کننده (اگر نگوئیم توهین آمیز) بودند. دلیل این ویژگی منفی چه بود؟ حتماً می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد اما یکی از مهم‌ترین دلایلش، ناکامی فیلمسازان در پرورش قهرمان‌ها بود. آن شخصیت‌ها به جای این که افرادی با ضمیر پاک و درکی شهودی اما عمیق از زندگی باشند، واقعاً ساده لوح (اگر نگوئیم احمق) به نظر می‌رسیدند. در واقع تماشاگر بیش از آن که با آن شخصیت‌های مثلاً معصوم هم‌دلی کند، با دیگرانی احساس نزدیکی می‌کرد که این قهرمان را مورد تمسخر قرار می‌دادند! تلاش فیلم‌ها برای نزدیک کردن ما به این شخصیت‌ها و بی‌عیب و نقص نمایاندن آن‌ها تحمیلی به نظر می‌رسید و عجیب نبود که برخی از آن آثار حتی توهین به شعور تماشاگر به نظر می‌رسیدند.

«تی تی» هم می‌توانست یکی از همان آثار باشد. این بار هم با شخصیتی روبه‌رویم که تعدادی از دیگر افراد حاضر در فیلم او را به صراحت «خل و چل» می‌نامند؛ کسی که رفتارهای غیرمعتاد فی‌انجام می‌دهد که خیلی از آن‌ها (مثلاً زدن به آب و دعا کردن برای زنده ماندن یک بیمار) ممکن

اما لاقل با دو منحنی تحول روبه‌رویم که به شکلی پذیرفتنی به مقصد می‌رسند. اجرای این الگو (این که دو شخصیت داشته باشیم که هر دو منحنی تحول مخصوص به خود را داشته باشند) کار ساده‌ای نیست اما پناهنده و ارسلان امیری (فیلمنامه نوپسان «تی تی») به شکل مناسبی از پس کار برآمده‌اند. این الگو، از جنبه‌ای دیگر هم به فیلم کمک کرده که همان بحث تعادل است.

«تی تی» می‌توانست یکی از همان فیلم‌هایی باشد که به تمامی به یکی از ایدئولوژی‌های غالب نزدیک می‌شوند اما در نسخه فعلی با فیلمی روبه‌رو هستیم که می‌توان آن را با صفت «انسانی» ستایش کرد. پناهنده و دیگر دست‌اندرکاران «تی تی» سعی می‌کنند به تمام شخصیت‌های اصلی، حتی تاحدی به شخصیت امیر ساسان (هوتن شکیبیا) که قطب منفی کار به نظر می‌رسد، نزدیک شوند. تی تی قرار نیست شخصیت بی‌نقصی باشد که به دیگران درس زندگی می‌دهد بلکه خودش هم از هم‌جواری با ابراهیم درس می‌آموزد. قرار است در طول

است جنون آمیز به نظر برسند. سوی دیگر شخصیت‌هایی قرار دارند که، ظاهراً همچون نمونه‌های پیشین، تی تی (الناز شاگرد دوست) را مورد تمسخر قرار می‌دهند. اما هوشمندی آیدا پناهنده در خلق شخصیتی است که نقش وزنه متعادل کننده را در فیلم ایفا می‌کند. ابراهیم (پارسا پیروزفر) در ست نقطه مقابل تی تی قرار می‌گیرد: آدمی کاملاً متکی به علم و بی‌توجه به مسائل شهودی. با این وجود، تازه‌ترین ساخته پناهنده از مسیرهای یک‌طرفه پیشین دوری می‌کند و همین به بزرگ‌ترین نقطه قوت فیلم تبدیل می‌شود. نتیجه: «تی تی» چند گام جلوتر از آثار قبلی پناهنده قرار می‌گیرد. او بیش از همیشه توانسته از ماندن در دام ایده بپرهیزد. فیلم‌های قبلی او، علی‌رغم تمام نکات مثبت‌شان، بیشتر فیلم‌های ایده بودند تا اجرا. به این معنی که مسیر حرکت رو به جلوی شخصیت‌ها و طی کردن منحنی تحول از سوی آنان، ناقص به نظر می‌رسید و برای تکمیل آن مسیرها باید مسائل فرامتنی را دخیل می‌کردیم. آن آثار، فیلم‌های بدی نبودند اما در نهایت آثار متوسطی به نظر می‌رسیدند که به خاطر مد روز بودن و البته برخی از توانایی‌های اجرایی پناهنده، بیش از کیفیت حقیقی‌شان مورد توجه قرار می‌گرفتند. «تی تی» هم آن قدر فیلم برانگیزاننده‌ای نیست که بتوان آن را به‌عنوان یک اثر درخشان مورد توجه قرار داد.

